

مقدمه ای بر فرهنگ و سبک زندگی

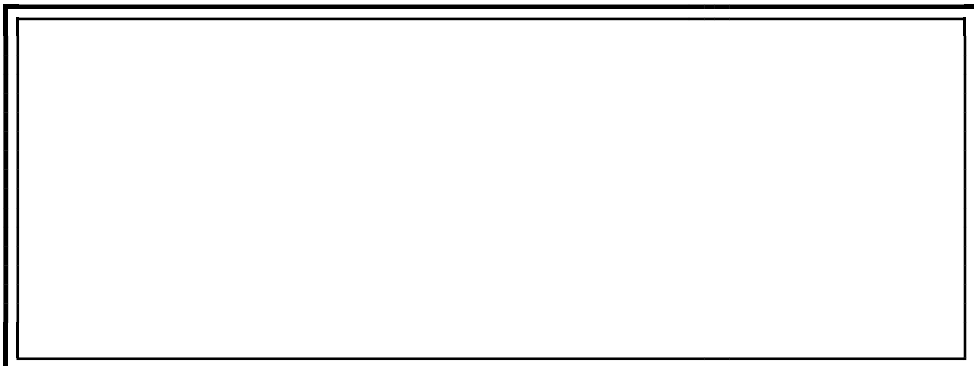
مولف :

دکتر محمد بیدگلی

مدرس دانشگاه فرهنگیان



Email : mehradgraphic@yahoo.com
vatani.mehrdad46@gmail.com



مقدمه ای بر فرهنگ و سبک زندگی

مؤلف:	دکتر محمد بیدگلی
ناشر:	انتشارات مهر وطن
نوبت چاپ:	اول/۱۴۰۳
تیراژ:	۱۰۰ نسخه
حروفچینی:	موسسه مهراد
لیتوگرافی:	باختر
چاپخانه:	فرشیوه
مصافی:	روشنک
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۱۳۲۷-۷-۷
قیمت:	ریال

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات مهروطن محفوظ است.

انتشارات مهروطن: خیابان انقلاب- خیابان فخررازی- خیابان وحیدنظری
پلاک ۸۲- تلفن: ۶۶۴۸۹۵۶۰

تقدیم به روح پدر، مادر و برادر عزیز و مهربانم حاج حسن بیدگلی،

حاجیه خانم زهرا ایزدی یزدی و محمود بیدگلی

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه.....
۱۰.....	فصل اول: کلیات فرهنگ.....
۱۱.....	تعریف فرهنگ.....
۱۵.....	نظریه فرهنگی.....
۱۷.....	فرهنگ پذیری.....
۲۰.....	خرده فرهنگ.....
۲۲.....	سرمایه فرهنگی.....
۲۳.....	اشاعه فرهنگی.....
۲۵.....	هوش فرهنگی.....
۲۸.....	بازتولید فرهنگی.....
۳۰.....	تبادل فرهنگی.....
۳۱.....	هویت فرهنگی.....
۳۴.....	تهاجم فرهنگی.....
۳۶.....	ویژگی های فرهنگ.....
۳۸.....	فرهنگ عمومی.....
۴۲.....	سطح بندی فرهنگ از دیدگاه شاین.....
۴۵.....	آشنایی با برخی از نظریات فرهنگی کلاسیک غرب.....
۴۵.....	جورج لوکاج.....
۴۷.....	آنتونیو گرامشی.....
۴۹.....	فردیناند دوسوسور.....
۵۰.....	فرهنگ در نظریه های مختلف جامعه شناختی.....
۵۲.....	پسامدرنیسم.....
۵۳.....	فرهنگ پسامدرن.....
۵۶.....	چالش های فرهنگی کشور.....
۵۸.....	تاثیر فرهنگ بر رفتار اجتماعی انسان.....

۶۰	آشنایی با ویژگی های فرهنگ اسلامی-ایرانی
۶۵	فرهنگ غرب و عناصر آن
۶۵	اومانيسم
۶۶	سکولاریزم
۶۶	لیبرالیسم
۶۷	انکار روح
۶۷	اصالت فرد
۶۸	خانواده گریزی
۶۸	سست شدن پایه های خانواده
۶۸	ولنگاری جنسی
۶۹	مصرف گرایی
۶۹	تجملات و اسراف
۶۹	تغییر مدل های غذایی
۷۰	تنوع طلبی
۷۰	مدیریت بدن
۷۱	لذت جویی
۷۱	عادی سازی گناه
۷۱	دروغگویی
۷۲	دین گریزی
۷۲	معنویت گرایی
۷۳	تسامح و تساهل
۷۳	غلبه کمیت بر کیفیت
۷۳	اصالت عقل
۷۴	اصالات قدرت
۷۴	برتری طلبی
۷۴	فرمالیسم
۷۵	سلطه طلبی

فرهنگ و توسعه	۷۵
دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ	۸۲
دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص فرهنگ	۹۳
دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری در خصوص فرهنگ	۹۶
فصل دوم: سبک زندگی	۹۹
مفهوم سبک زندگی	۱۰۰
الگوهای مختلف سبک زندگی	۱۰۲
ویژگی های سبک زندگی اسلامی- ایرانی	۱۰۴
ارزش های مورد توجه اسلام برای شکل گیری سبک زندگی	۱۰۷
سبک زندگی در آثاراندیشمندان غربی	۱۰۸
تورستون ویلن	۱۰۹
جورج زیمل	۱۱۱
ماکس وبر	۱۱۳
آلفرد آدلر	۱۱۶
پیر بوردیو	۱۱۸
آنتونی گیدنز	۱۲۴
سبک زندگی ایرانیان	۱۲۹
افراط در خوشگذرانی	۱۳۰
پایین بودن فرهنگ کار	۱۳۰
افزایش مصرف گرایی	۱۳۱
قانون گریزی	۱۳۲
پایین بودن سرانه مطالعه	۱۳۳
سبک زندگی اسلامی	۱۳۵
مولفه های سبک زندگی اسلامی	۱۴۰
تلفیق سبک های زندگی اسلامی و ایرانی	۱۴۳
اصول و عناصر سبک زندگی اسلامی- ایرانی	۱۴۴
شاخص های سبک زندگی	۱۴۵

۱۴۹	شاخص های سبک زندگی اسلامی- ایرانی
۱۵۰	شاخص های فردی سبک زندگی اسلامی
۱۵۰	تقواگرایی و خدامجوری
۱۵۱	تفکر
۱۵۲	راستگویی و صداقت
۱۵۳	اهمیت دادن به سلامتی
۱۵۴	صبر و خویشتن داری
۱۵۴	شاخص های اجتماعی سبک زندگی اسلامی
۱۵۴	تلاش و کوشش
۱۵۴	اعتدال و میانه روی
۱۵۷	پایبندی به خانواده
۱۵۸	صله رحم
۱۵۹	دوری از اسراف و تبذیر
۱۶۰	موانع موجود در راه شکل گیری سبک زندگی اسلامی- ایرانی
۱۶۹	رسانه و سبک زندگی
۱۷۱	تاثیر رسانه ها بر سبک زندگی
۱۷۵	مولفه های اصلی سبک زندگی غربی
۱۷۸	سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری
۱۸۲	مولفه های سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص کارگزاران نظام
۱۸۲	ایمان
۱۸۳	عقلانیت
۱۸۴	عدالت اجتماعی
۱۸۵	ساده زیستی
۱۸۷	تعهد و مسئولیت
۱۸۸	قانون گریزی
۱۸۹	اصلاح الگوی مصرف
۱۹۰	منابع و ماخذ:

مقدمه

بشر از شروع زندگی خود، همواره نوع زندگی و حرکت به سوی کمال را آغاز کرده و این حرکت را طوری انتخاب می کند که متناسب با اقتضای زمان و مکان و نوع زندگیش باشد. با این احتساب مشخص می شود که بشریت از زمان پیدایش نوعی در گیر با نحوه زندگی و یا به اصطلاح در گیر با فرهنگ است و همواره فرهنگ، تاثیر گذار بر زندگی فردی و اجتماعی بشر می باشد. نحوه پوشش، نحوه سخن گفتن، کار کردن، رفتار کردن و ... که ریشه در فرهنگ داشته و همچنان با بالاتر رفتن سطح فرهنگ در حال گسترده شدن و وسیع تر شدن است که این هم نشأت گرفته از تبادل فرهنگ بوده که باعث غنی شدن سیستم فرهنگی و پیشرفت یک جامعه می شود. لذا همان طور که می دانیم این فرهنگ ها تاثیر بسیار شدیدی بر جنگ ها و مبارزات تاریخی داشته اند ولی با گذشت زمان بشر به این نتیجه رسید که شاید تلفات این مبارزات نتواند پاداش خوبی برای تسخیرهای دوران آن شود به همین دلیل به فکر افتاد که حمله به فرهنگ می تواند با کمترین تلفات بهترین بازخورد را داشته باشد. فرهنگ را مجموعه دستاوردهای معنوی یک ملت تعریف می کنند. فرهنگ یافته ای انسانی و ساخته و پرداخته دست بشر است. این یافته موجودیت و هویت یک جامعه را منعکس می کند. بنابراین، بسیار پراهمیت و تامل برانگیز است. فرهنگ تنوع فراوانی دارد و هر قوم و ملتی از فرهنگ خاص خود برخوردار است.

سبک زندگی از جمله اصطلاحاتی است که برای اولین بار در فرهنگ مدرنیته مطرح شد. اولین بار «آلفرد آدلر» روان شناس در سال ۱۹۲۹ میلادی سبک زندگی را مطرح کرد، سپس توسط پیروان او برای به منظور توصیف ویژگی های زندگی آدمیان مورد بهره برداری قرار گرفت و گسترش یافت. اگرچه سبک زندگی در آموزه های دینی بطور مکرر و با الفاظ و عبارات گوناگون مطرح شده است لیکن بشریت به خصوص در جامعه غربی در دوست سال پیش موضوعی به نام سبک زندگی در محاورات روزمره خود نداشت و اساساً چنین سئوالی در آن زمان معنا نمی داد. ولی امروزه این کلمه نه تنها معنادار شده است بلکه به طور جدی نیز مورد توجه دانشمندان علوم انسانی قرار گرفته است. سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می گیرد که افراد به طور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار

می گیرند. سبک زندگی، فعالیت های معمول و روزانه است که شخص آنها را در زندگی خود به کار گرفته و روی سلامت او تاثیر دارد. در واقع سبک های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می کنند. سبک های زندگی کمک می کنند تا آنچه را مردم انجام می دهند و چرایی آن و معنایی که برای آنها و دیگران دارند را درک کنیم. به عبارت دیگر اصطلاح شیوه زندگی به روش زندگی مردم اشاره داشته و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها می باشد. سبک زندگی از موضوع های جدید در جامعه ما است که بعد از تاکیدات مقام معظم رهبری جای خود را به عنوان یک بحث جدید در پژوهش ها و تحقیقات اندیشمندان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه باز کرده است. در مورد اهمیت و جایگاه سبک زندگی همین بس که گفته شود بشر امروزی معنای خود را در سبک زندگی جستجو می کند، به این معنا که انسان ها خود را در شکل زندگی معنا می کنند، از شکل زندگی تاثیر می پذیرند و در همان مسیری قدم می گذارند که شکل زندگی آن ها را به آن مسیر راهنمایی می کند.

کتاب مقدمه ای بر فرهنگ و سبک زندگی دارای دو فصل می باشد. در فصل اول کلیات فرهنگ شامل تعریف فرهنگ، نظریه فرهنگی، فرهنگ پذیری، خرده فرهنگ، سرمایه فرهنگی، اشاعه فرهنگی، هوش فرهنگی، بازتولید فرهنگی، تبادل فرهنگی، هویت فرهنگی، تهاجم فرهنگی، ویژگی های فرهنگ، فرهنگ عمومی، سطح بندی فرهنگ از دیدگاه شاین، آشنایی با برخی نظریات فرهنگی کلاسیک غرب، فرهنگ در نظریه های مختلف جامعه شناختی، پسامدرنیسم، فرهنگ پسامدرن، چالش های فرهنگی کشور، تاثیر فرهنگ بر رفتار اجتماعی انسان، آشنایی با ویژگی های فرهنگ اسلامی- ایرانی، فرهنگ غرب و ویژگی های آن، دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) در خصوص فرهنگ، دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص فرهنگ و دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری در خصوص فرهنگ مورد بررسی قرار می گیرد و در فصل دوم سبک زندگی که شامل مفهوم سبک زندگی، الگوهای مختلف سبک زندگی، ویژگی های سبک زندگی اسلامی- ایرانی، ارزش های مورد توجه اسلام برای شکل گیری سبک زندگی، سبک شناسی در آثار اندیشمندان غربی، سبک زندگی ایرانیان، سبک زندگی اسلامی، مولفه های سبک زندگی اسلامی، تلفیق سبک های زندگی اسلامی- ایرانی، اصول و عناصر سبک زندگی

اسلامی- ایرانی، شاخصه های سبک زندگی، شاخصه های سبک زندگی اسلامی- ایرانی، شاخص های فردی سبک زندگی اسلامی، شاخص های اجتماعی سبک زندگی اسلامی، موانع موجود در راه شکل گیری سبک زندگی اسلامی- ایرانی، رسانه و سبک زندگی، تاثیر رسانه ها بر سبک زندگی، مولفه های اصلی سبک زندگی غربی، سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری و مولفه های سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می گیرد. این کتاب حاصل چندین سال تجربه تدریس نویسنده کتاب در دانشگاه های مختلف از جمله دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا و قرچک، دانشگاه فرهنگیان زینیه پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، دانشگاه پیام نور پیشوا و قرچک، دانشگاه علمی و کاربردی پیشوا، ورامین و قرچک در رشته های مختلف آموزشی است. کتاب مقدمه ای بر فرهنگ و سبک زندگی برای دانشجویان رشته های امور تربیتی، علوم اجتماعی، روابط عمومی، مدیریت امور فرهنگی، آموزش ابتدایی، مشاوره و راهنمایی و کلیه علاقه مندان و پژوهشگران توصیه می شود. امید است این نوشتار، برای همه خوانندگان آن مفید باشد و نگارنده بتواند با بهره گیری از راهنمایی ها و ارشادات صاحب نظران، پژوهشگران و دانشجویان، غنای محتوایی آن را در چاپ های بعدی ارتقا بخشد.

فصل اول:

کلیات فرهنگ

تعریف فرهنگ^۱

کلمه فرهنگ هر چند تا حدودی مفهوم روشنی را در اذهان تداعی می کند، اما، ریشه یابی لغوی این واژه و تفسیر آن می تواند نقش ویژه ای را در تبیین عناصر، مبانی، زمینه ها و محتویات یک فرهنگ ایفا کند. در تعریف مفهوم فرهنگ، سلسله مفاهیم ذیل را می توان برشمرد:

۱. ادب و تربیت

۲. دانش و معرفت

۳. مجموعه آداب و رسوم

۴. مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم یا یک ملت

۵. کتاب ترجمه و تفسیر واژگان و یا اصطلاحات

۶. کاریز آب؛ جایی از کاریز را گویند که آب بر روی زمین می آید.

به نظر می رسد، مضامینی چون ادب، دانش و معرفت از مفاهیم کلیدی و عناصر ماهوی فرهنگ به شمار می آیند. این که به کتاب ترجمان لغات و اصطلاحات، کلمه فرهنگ اطلاق می گردد به این لحاظ است که یک مجموعه از مجهولات را برای ما روشن می سازد و ما را نسبت به مفاهیم کلمات و واژگان مجهول و مبهم و یا مشکل آگاه می گرداند و بر دانش و معرفت ما می افزاید. اما در اطلاق کلمه فرهنگ به کاریز آب، صرف نظر از این که چنین کاربردی ریشه ای است، یا

نه؟ کشف وجه شبهات بین کاریز آب و فرهنگ، به مفهوم رایج کلمه جالب است. یکی از کانال ها و سرچشمه های آب که آب را بر زمین جاری ساخته، و کشتزاران را آبیاری و سیراب می کند، و بر رونق کشاورزی می افزاید، همین کاریز است. بنابراین، وجود کاریز به عنوان یکی از منابع آب خیز برای کشاورزی اهمیتی حیاتی دارد. فرهنگ نیز به همین سان برای نشاط و خرمی و سرزندگی و زندگی جامعه امری حیاتی است. فرهنگ، سرچشمه حیات و ثبات و پابرجایی جامعه است. در این راستا، مجموعه آداب، دانش، و معارفی که در تأمین حیات جامعه نقش اساسی ایفاء می کند، فرهنگ نامیده می شود. بنابراین، فرهنگ منبع زایش، رویش، مهد تربیت و پرورش است.

موصوف وصف «فرهنگی»، نه تنها شامل افراد انسانی نظیر شخص با فرهنگ و با ادب، معلم، مدرس، مربی و... می باشد، بلکه به عنوان مقوله ای مربوط و منسوب به فرهنگ و یا حتی نشأت گرفته از فرهنگ تلقی می گردد. از آن گذشته، واژه هایی نظیر «فرهنگ ساز» به مفهوم فرهنگدان، دانشمند و خردمند، «فرهنگ ور» به مفهوم ادیب و «فرهنگ یاب» به مفهوم کسی که به جستجو و پژوهش می پردازد، همه ناظر به موصوفات انسانی می باشند.

در مجموع، لفظ «فرهنگ» واژه مرکبی است که به «فر» و «هنگ» تجزیه می گردد. در یک نگاه، «فر» به مفهوم پیش، جلو و به سوی جلو می باشد. در نگاه دیگر، «فر» به مفهوم شأن و شوکت و رفعت و شکوه است. دقت در اجزا ترکیبی واژه فرهنگ، ما را متوجه فارسی اصیل بودن این لفظ می گرداند. در فرهنگ معین «فر» بر اساس مندرجات زامیادیشهت (اوستا) آمده است...: فروغی است ایزدی، به دل هر که بتابد از همگان برتری یابد. از پرتو این فروغ است که شخص به پادشاهی رسد، شایسته تاج و تخت گردد، آسایش گستر و دادگر شود و همواره کامیاب و پیروزمند باشد. و نیز از نیروی این نور است که کسی در کمالات نفسانی و روحانی کامل گردد و از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شود. بر اساس تحقیق دهخدا، «هنگ» از ریشه و خانواده

«ثنگ» است که واژه ای اوستایی است و به مفهوم کشیدن است. از این روی، فرهنگ به مفهوم به جلو و به بالا سوق دادن است.

کلمه Culture، در ادبیات انگلیسی معادل لفظ فرهنگ در ادبیات فارسی به کار رفته است. برای این کلمه بستر مفاهیم و مضامین گوناگونی در نظر گرفته شده است که در مواردی بی شباهت به آنچه در ارتباط با واژه فرهنگ گفته شد نمی باشد. کلمه مزبور به صور گوناگون معانی متعدد ذیل را القاء می کند:

۱. ویژگی خاصی که موجب امتیاز فرد یا جامعه از جنبه های هنری، علمی و شیوه های رفتاری گردیده است.

۲. صورت و یا مرحله ویژه ای از تمدن بشری.

۳. آنچه از جنبه هنری و یا شیوه تحقیق و رفتار به نظر عالی می آید.

۴. پیشرفت و رشد اندیشه در اثر تعلیم و تربیت.

۵. رفتارها و یا عقایدی که ویژه گروه خاص اجتماعی، قومی و یا سنی است.

۶. در مردم شناسی، مجموعه شیوه های زندگی که توسط گروهی از انسان ها ساخته و پرداخته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است.

۷. در زیست شناسی به کاشت جرم های کوچکی نظیر باکتری یا به منظور مطالعات علمی و یا کاربردهای پزشکی و یا به تولید و رشدی که از چنین کاستی حاصل می گردد.

۸. عمل اصلاح خاک برای کاشت.

۹. پرورش گیاهان یا حیوانات به خصوص به منظور رشد آنان.

۱۰. تولید و یا رشدی که از چنین پرورشی حاصل می آید.

۱۱. در معرض رشد و پرورش قرار دادن.

با توجه به موارد گوناگون کاربرد لفظ فرهنگ و یا Culture، نمی توان تعریف واحدی را برای یک چنین اصطلاح پیچیده ای ارائه داد، هر چند می توان هر یک از تعاریف را بیانگر ویژگی های خاصی از مفهوم فرهنگ دانست.

بنابر تعریفی که جولوس گوله^۲ و ویلیام ل، کولب^۳ ارائه می دهند، «فرهنگ شامل الگوهایی است آشکار و ناآشکار از رفتار و برای رفتار که به واسطه نهادها حاصل می شود و انتقال می یابد، نهادهایی که دست آوردهای متمایز گروه های انسانی و از جمله تجسم های آن ها را در کار ساخت ها تشکیل می دهند. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی (یعنی نشأت گرفته و انتخاب شده در سیر تاریخ)، به خصوص ارزش های وابسته به آن هاست.

تعاریف دیگری از فرهنگ کم و بیش «به مجموعه هر نوع رفتاری که از جانب هر گروهی ابراز گردد» و یا به مجموعه ای «از الگوهای رفتار و الگوهایی برای رفتار که در دوره مشخصی از زمان در بیان گروهی از افراد انسانی غلبه دارد... اشاره می کنند. در مطالعات انسان شناسانه، «فرهنگ... به مفهوم وسیع مردم شناختی آن، کل پیچیده ای است که شامل، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، رسم و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را که انسان به صورت عضوی از جامعه کسب می کند می شود.

علاوه بر موارد فوق، فرهنگ در اصطلاحات گوناگون علوم، کارهای خاص خود را دارد. فرهنگ عبارت است از «امور متداوله در میان یک قوم و ملت (اعم از علوم و رسوم و آداب و سنن) که

آحاد آن قوم به دریافت و عمل به آن ها پایبند بودند، آن چنان که زیربنای اندیشه ها و مبنای تصمیم های آنان بوده و شکل دهنده مغز آن ها باشند.

نظریه فرهنگی^۴

نظریه فرهنگی، نظریه ای است که در مطالعه آکادمیک فرهنگ از آن استفاده می شود (میلنر، ۱۳۸۷ : ۳۱۹). توضیح آنکه، فرهنگ بزرگ ترین نیاز جامعه بشری و عامل اصلی پویایی، نشاط و تداوم حیات و جوامع است. امروزه مباحث حوزه فرهنگ به عنوان مهم ترین عامل در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و انسانی و اخلاقی یک کشور در کانون توجه صاحب نظران، اندیشمندان و نخبگان قرار گرفته است و نقش مؤثر و بنیادی فرهنگ در کلیه عرصه های زیستی و فکری بشر چشم انداز جدیدی را در حوزه های عینی و ذهنی ایجاد کرده است. فرهنگ در جهان امروز، بستر تعریف، بازیابی و تکامل همه توانایی ها، ارزش ها، هویت ها، باورها، هنجارها، سنت ها، اسطوره ها و نمادهای بشری است. با توجه به همین فرهنگ است که از دیرباز فرهنگ و موضوعات فرهنگی در کانون مطالعات اجتماعی و انسانی جای گرفته اند و رشد علوم بین رشته ای نیز با توجه بیشتر و بررسی ابعاد فرهنگی، مفاهیم و تعاریف فرهنگی، پژوهش ها، نظریه ها و مسائل مرتبط با آن از سوی دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی در اکثر حوزه ها منجر شده و بسیاری از دانشمندان علوم انسانی، مباحث فرهنگی را در کنار موضوعات مختلف سیاست، اقتصاد، روانشناسی، روانکاوی و ... در کانون بررسی های بسیاری از محافل آکادمیک قرار داده اند. در چنین زمینه ای است که توانایی ما برای درک فرهنگ اهمیت می یابد. با توجه به جریان داشتن فرهنگ در جزئی ترین بخش های زندگی روزمره، به گفته فیلیپ اسمیت^۵ این توانایی به یکی از مؤلفه های اصلی شهروندی فعال و شایسته تبدیل می شود. حال در این شرایط نظریه فرهنگی یکی از منابع مهم برای

رسیدن به این توانایی به شمار می‌رود که به توضیح فرهنگ و تبعات آن برای زندگی اجتماعی می‌پردازد. نظریه فرهنگی سرمشق‌ها (پارادیم‌ها)، الگوها و مفاهیمی را به ما عرضه می‌کند که می‌توانند در جنبه‌های متنوع شخصی، عمومی و فکری زندگی به کار گرفته شوند. نظریه فرهنگی صرفاً بخشی از ادبیات اسرارآمیز دانشگاهی نیست بلکه منبعی است که از طریق آن می‌توانیم آگاهانه به جهان اطراف خود واکنش نشان داده و شاید گزینه‌ای صحیح را انتخاب کنیم و به سطح متعالی‌تری از اشراف و تسلط دست یابیم (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۹).

نظریه فرهنگی که در واقع رویکردی نظری به مطالعه فرهنگ به شمار می‌رود و از این‌رو آغازگاه آن را بایستی پرسش از چیستی فرهنگ در نظر گرفت، در کنار پرداختن به چیستی فرهنگ، نظریه‌پردازی در این‌باره را نیز دنبال می‌کند. کار نظریه فرهنگی تنها این نیست که درباره فرهنگ بحث کند یا سیاهه‌ای از مصادیق آن به دست دهد بلکه به نظریه‌پردازی درباره آن نیز می‌پردازد. نظریه، طرح‌واره‌ای توصیفی است که بر پایه آن، پدیده‌های گوناگون با یک معنا سازگار می‌افتد و در واقع در ضمن آن قضایای متعددی در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی به هم‌نگری رسیده و از این مسیر برخی پدیده‌ها تبیین می‌شوند. از این‌رو کار نظریه فرهنگی توضیح و توصیف صور فرهنگی بر پایه معیاری است که طرح‌واره‌ای را به دست می‌دهد (ادگار، ۱۳۸۵: ۵).

فرهنگ پذیری^۶



گاه اتفاق می افتد که یک عنصر فرهنگی از فرهنگ دیگر گرفته می شود . این جریان فرایند فرهنگ پذیری نامیده می شود . درچنین وضعیتی ، فرهنگ هایی که با یکدیگر تماس مستقیم دارند ، هردو دچار دگرگونی می شوند . در عین حال ، این دگرگونی ممکن است در یک فرهنگ خیلی عمیق تر از فرهنگ دیگر باشد(توسلی،۱۳۸۸ : ۶۸).فرهنگ پذیری عبارتند از رواج پدیده هایی است که در اثر تماس مستقیم و مداوم بین افراد و گروه هایی از افراد با فرهنگ های مختلف به وجود می آید . دو جامعه همسایه یا دارای ارتباط ، به علت رفت و آمدها ، داد و ستد ها ، مهاجرت ها و تهاجم ها در یکدیگر تاثیر می گذارند و به مرور تغییر و تحولاتی را در یکدیگر به وجود می آورند(نوری کورعباسلو و بیدگلی،۱۳۹۸ : ۵۶).

فرهنگ پذیری در مقیاس وسیع وقتی رخ می دهد که جامعه ای مورد تهاجم جامعه دیگر قرار گیرد ، فاتحان می کوشند تا شیوه های زندگیشان را برمغلوبان تحمیل کنند و مغلوبان نیز به نوبه خود ، شروع می کنند به سازگاری با برخی اعمال فاتحان . البته برخی اوقات ویژگی های یک فرهنگ با فرهنگ دیگر هماهنگی نداشته و نسبت به انتقال آنها مقاومت می شود . برای مثال : سرخپوستان آمریکایی از اسلحه گرم و نوشابه های الکلی استعمار انگلیس با هیجان استقبال کردند ، ولی نسبت به مذهب آنها و طرز تلقی شان از کار ، بی تفاوت ماندند.بر اساس برخی منابع احتمالا